

امیر خسرو دهلوی



نویسنده : دکتر بصیر کامجو

امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو فرزند امیر سیف الدین محمود دهلوی، بی تردید بزرگترین شاعر فارسی گوی هند و یکی از شاعران شیرین سخن و نیرومند فارسی در نیمه دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم است. او در سال 651 ه.ق در شهر دهلی هندوستان به دنیا آمد. بقول مؤلف تاریخ فرشته محمد قاسم فرشته گفته است که: « پدرش امیر سیف الدین محمود از میرزاده های بلخ است و در حوالی قرش می بود. (1)

امیر خسرو اصلاً از قبیله لاجپن ترکان ختایی ماوراءالنهر ساکن شهر « کش » از بلاد ناحیهٔ سغد (در دوازده فرسنگی سمرقند) بود و پدرش سیف الدین محمود از امرای این ناحیه بوده است. بنابر قول دولت‌شاه سمرقندی که در کتاب تذکرة الشعراء گفته: پدر امیر خسرو هنگام حمله مغول به هندوستان مهاجرت کرده است و این مصادف بود با دورهٔ پادشاهی شمس الدین التتیمش (607 - 633 ه.ق). بر دهلی و نواحی شمالی هندو ناحیه سند .

امیر خسرو در دوران کودکی قریحه شاعری خویش را بروز داد ، و به آموزش فنون و دانش وقت پرداخت، در زبان و ادب فارسی استاد شد. در دوره جوانی به حلقه ارادت یکی از مرشدان متصوفه هند به نام « سلطان المشایخ شیخ نظام الدین اولیاء » (متوفی بسال 725 ه.) درآمد و به ریاضت و طلب کمال پرداخت.

امیر خسرو چنانکه خود در مقدمه « دیوان غرة الکمال » خود گفته است "چندین استادان را پیرو بوده است " که عبارت اند از : در بخش غزل سعدی ؛ در مثنوی نظامی ؛ در پند و اندرز و حکم سنائی و خاقانی ؛ و در قصائد رضی الدین نیشابوری بسیار تأثیر گرفته است.

و در این باره خود در پیروی از « سعدی » در غزلی چنین گفته است :

خسرو سرمست اندر ساغر معنی بریخت

شیره از خمخانهٔ مستی که در شیراز بود

امیر خسرو را به دلیل کثرت اشعار و آثار، « سعدی هندی » نامیده اند . بگونه نمونه تنها سروده های غزل وی که در سایت فرهنگی گنجور ثبت است به 1996 شماره می رسد . درین جا نیاز است که به نشر غزل شماره اول و شماره 1996 ام آن اکتفاء نمائیم :

غزل شماره اول

ابر می بارد و من می شوم از یار جدا	چون کنم دل به چنین روز ز دلدار جدا؟
ابر و باران و من و یار ستاده به وداع	من جدا گریه کنان، ابر جدا، یار جدا
سبزه نوخیز و هوا خرم و بستان سرسبز	بلبل روی سیه مانده ز گلزار جدا
ای مرا در ته هر موی به زلفت بندی	چه کنی بند ز بندم همه یکبار جدا
دیده از بهر تو خونبار شد، ای مردم چشم	مردمی کن، مشو از دیده خونبار جدا
نعمت دیده نخواهم که بماند پس از این	مانده چون دیده از آن نعمت دیدار جدا
دیده صد رخنه شد از بهر تو، خاکی ز رخت	زود برگیر و بکن رخنه دیوار جدا
می دهم جان مرو از من، وگرت باور نیست	پیش از آن خواهی، بستان و نگهدار جدا
حسن تو دیر نپاید چو ز خسرو رفتی	گل بسی دیر نماند چو شد از خار جدا

غزل شماره 1995

می شکفد گل به چمن تا ز نسیم سحری	وه چه خوشی گر نفسی پهلوی من باده خوری
گر ز خرابی منت نیست خبر رنجه مشو	مستی حسن ترا شاید اگر بی خبری
آهن و سنگ آب شود ز آه دل غم خور من	نرم نگردد دل تو وه چه عجب جانوری
هر کسی از پیرهنت رشک برد در بر تو	من ز زمینی که تو آن زیر قدم می سپری
من به رخت خاک شدم بو که ته پا کنیم	سوی دگر پرشکنی کرده تو خوش می گذری
تا سندی دل ز تنم ماند تنم خسته ز غم	باز دهد خسرو اگر جان ز تنش تو ببری (2)

خسرو دهلوی در زبان فارسی شیوه ای ویژه خود را دارد که بعدها سرآغازی برسبک هندی می شود.

امیر خسرو علاوه بر آگاهی وسیع از زبانهای فارسی و ترکی و عربی و ادبیات هر سه زبان ، بزبان هندی و ادب آن نیز چیرگی داشت. امیر خسرو در نظم و نثر هر دو استاد بود . علاوه بر شعر و ادبیات، او در موسیقی نیز دست بالاداشته بدو آوازی خوش نسبت داده و گفته اند که پرده ها و نغماتی که شماره آنها به 13 بالغ می شده است ابداع کرد.

امیر خسرو دهلوی یکی از پرکارترین شاعران فارسی گوی است . جامی گوید که او « 99 کتاب » تصنیف کرده است و از قول امیر خسرو نقل کرده اند که اشعارش از «400 000» بیشتر و از «500» کمتر است . (3)

به همت میرزا بایسنقر پسر شاهرخ از این شماره کثیر فوق « 122000 » بیت را فراهم آورده شده که اکنون در دست است . مجموع آثار امیر خسرو دهلوی از نظم و نثر چنین تقسیم بندی شده است :

اول - دیوان اشعاروی در بردارنده مدایح پادشاهان بوده که مشتمل بر 5 قسمت است :

1- تحفة الصغر: اشعار دوره جوانی .

2- وسط الحیاة : اشعار در مدح « شیخ نظام الدین اولیاء » .

3- غرة الکمال : اشعار دوران 40 سالگی او که از شاعران بزرگی چون سنایی، نظامی و خاقانی یاد کرده است.

4 - بقية نقيه : اشعار دوران پیری او.

5 - نهاية الکمال : آخرین اشعار او و قصایدی در مدح سلطان غیاث الدین .

دوم - امیر خسرو به نظامی گنجوی اعتقادی تام داشت و به تقلید او پنج مثنوی ساخته شامل :

1 - مطالع الانوار: ، منظومه بیست و یک بحر سریع در جواب مخزن الاسرار نظامی در « 3310 » بیت که در سال 698 ه.ق. بمدت دو هفته سروده شد . این اثر شامل اشعار دینی و اخلاقی و موضوع آن توحید و تحقیق و تربیت ، و مدح و مرشد ثنای سلطان می باشد .

2 - مجنون و لیلا : این منظومه را نیز امیر خسرو بتقلید از منظومه « لیلی و مجنون نظامی » که شامل « 2660 » بیت است در سال 698 ه.ق. سرود.

3 - شیرین و خسرو : این منظومه بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف است بتقلید از خسرو شیرین نظامی در سال 698 ه.ق. در « 4124 » بیت به انجام رسانید .

4 - آینه اسکندری : منظومه بیست و یک بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف در « 4450 » بیت در جواب اسکندر نامه نظامی (شرفنامه و اقبال نامه) در سال 699 ه.ق. سرود .

5 - هشت بهشت : این منظومه را امیر خسرو بسال 701 ه.ق. در « 3352 » بیت در جواب هفت پیکر نظامی باتمام رسانید .

سوم - منظومه های دیگر به نامهای :

1 - تاج الفتوح : منظومه بیست و یک بحر هزج مثنی مقصور یا محذوف که در سال 689 ه.ق. سروده است . این اثر در اوصاف سلاطین هند بوده و دارای ارزش تاریخی و ادبی می باشد .

2 - **قران السعدين** : مثنویبیست که امیر خسرو آنرا بمدت شش ماه در سال 688 هـ. ق. سروده است.

3 - **نه سپهر** : منظومه بیست که امیر خسرو آنرا در سال 718 هـ. ق. بنام قطب الدین مبارکشاه خلجی (1716 - 1720 هـ. ق.) بانجام رسانید .

4 - **تغلق نامه** : این اثر را امیر خسرو در ذکر احوال غیاث الدین تغلق شاه (720 - 725 هـ. ق.) نوشت .

5 - **منظومه دُول رانی خضر خان یا « عشقیه »** : امیر خسرو این اثر را در « 4519 » بیت بسال 715 هـ. ق. سرود .

چهارم - جواهر خسروی : این بحث نام مجموعه یی است از اشعار امیر خسرو در باب :

نصاب بدایع العجایب - گهریال امیر خسرو که منظومه کوتاهیست در حساب انگشتان - مثنوی شهر آشوب مرکب از « 67 » رباعی - خالق باری که نصابی است برای زبان هندی - چیستان مرکب از قطعاتی به هندی .

امیر خسرو دهلوی افزون بر آثار منظوم کتاب های بنثر دارد که عبارت اند از :

1 - **اثر خزائن الفتوح** معروف بتاریخ علائی در تاریخ سلطان علاءالدین محمد خلجی .

2 - **افضل الفوائد** متضمن ملفوظات نظام الدین اولیاء مراد امیر خسرو دهلوی .

3 - **رسائل الاعجاز خسروی** : در فن قواعد انشاء زبان فارسی . این کتاب را امیر خسرو در سه مجلد بسال 719 هـ. ق. باتمام رسانید .

پنجم - قصیده شکوائیه : در هزل و انتقاد.

از اشعار اوست :

منتخب از منظومه مطالع الانوار:

هرکه درو سیرت نیکو بود

آدمی از آدمیان او بود

وآنکه مزاجش همه زورست و زور

دور زما آدمیان است دور

نیکی مردم نه نکو رویی است

خوی نکو مایه نیکویی است

مرد درون تیره و بیرون سلیم

زشت بود استر دیبا گلیم

بخل عیان به که بعشوه نوید

روی سیه به که ز پیسی سفید

بس بد خو که نکو رو نمود

با خط بد کلک منقش چه سود

باز بسا تلخ که جوشد چومی

لیک صفا روی نماید ز وی

منتخب از منظومه بقیه نقیه او :

کجا بود من مدهوش را حضور نماز

که کنج کعبه ز دیر مغان ندانم باز

چو صوفی از من صافی نمی کند پرهیز

مباش منکر دُردی کشان شاهد باز

بس است مطرب مفلس نوای سوختگان

چو بلبل سحری می کند سماع آغاز

بدان طمع که کند مرغ وصل خوبان صید

دو دیده ام شده از شام تا سحرگه باز

خیال زلف دراز تو گر نگیرد دست

که بر سر آرد ازین ظلمتم شبان دراز

تو در تنعم و نازی زما کی اندیشی

که ناز ما به نیازست و نازش تو بناز

اگر زخمت تو چون موی سربگردانم

ببیند و چون سر زلفم بر آفتاب انداز

گذشته شعر ز شعری و سوزش از گردون

چرا که از پی آوازه می رود آواز

خرد مجوی ز خسرو که اهل معنی را

نظر بعشق حقیقت بود نه عقل مجاز

اگر زخمت تو چون موی سربگردانم

ببیند و چون سر زلفم بر آفتاب انداز

گذشته شعر ز شعری و سوزش از گردون

چرا که از پی آوازه می رود آواز

خرد مجوی ز خسرو که اهل معنی را

نظر بعشق حقیقت بود نه عقل مجاز

مائیم که از قبله به بُت خو کردیم

دیباچه نام و ننگ یکسو کردیم

دل را که همی خزینه معرفتست

بازیچه کودکان بُت رو کردیم

مائیم خراب جرعه می خواران

مارا چه غم از طعنه نیکو کاران

این سر که لگد می خورد از خمّاران

کی غم خورد از سرزنش هشیاران

1 - رجوع شود به :

- سیر اولیاء ، تألیف : مولانا سید محمد مبارک علوی کرمانی معروف به « امیر خرد » خلیفه سلطان المشایخ نظام الدین اولیاء ، چاپ دهلی ، سال 1302 قمری ، ص 301 - 305 و ص 125

- فرهنگ فارسی ، مؤلف : دکتر محمد معین جلد اول ، ص 478 و 79 .

- تاریخ فرشته ، تألیف : محمد قاسم فرشته ، ج 2 ص 754 .

- دیوان امیر خسرو دهلوی ، با مقدمه و تصحیح محمد روشن ، انتشارات نگاه ، 1380

2 - امیر خسرو دهلوی ، غزلیات گنجور

3 - رجوع شود به :

- نفحات الانس جامی ، چاپ تهران ، ص 610

- بهارستان سخن ، چاپ مدارس ، 1958 ، ص 316 - 325